

شخصیت قدرت طلب و تأثیر آن بر شکل گیری پیش داوری و تصورات قالبی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران

علی اشرف نظری*

چکیده

تصورات قالبی را می توان مجموعه ای از احساسات غالباً منفی، باورهای کلی و کنش ها درباره برخی گروه های اجتماعی دانست که دارای فرهنگ، قومیت، زبان و نژاد متفاوتی هستند. این تصورات، خصیصه ها، ویژگی های فیزیکی، علائم، نقش ها، الگوهای رفتاری و نظایر آن را در ارتباط با گروهی خاص منعکس می کنند و برای همه اعضای یک گروه، به رغم تمایزات و تفاوت های قابل ملاحظه، به کار می رود. تحقیقات در خصوص شخصیت قدرت طلب، پیوند بین اهمیت نگرش والدین و پیش داوری ها را نشان می دهد و این امکان را فراهم می سازد که به تعیین شرایط ظهور و بروز پیش داوری ها تحت تأثیر شخصیت والدین، پرداخته شود. براساس این نظریه، شرایط خاص خانوادگی به ویژه سخت گیری بیش از حد، تأکید افراطی بر ارزش ها و تنبیه، شخصیت قدرت طلب را شکل می دهد. چنین افرادی شدیداً مبادی آداب، متعصب و مستعد پیش داوری اند و براساس تصورات قالبی می اندیشند. این مقاله مشتمل بر دو بخش نظری و پیمایشی است. در بخش نظری با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تبیین و تحلیل اطلاعات و دانش علمی موجود در زمینه شخصیت قدرت طلب و تأثیر آن بر تصورات قالبی و پیش داوری، تلاش خواهد شد با استفاده از روش جمع آوری کتابخانه ای، بنیان های نظری بحث پی ریزی شود. در بخش دوم از روش پیمایشی برای سنجش تصورات و نگرش های دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ پیرامون نقش شخصیت قدرت طلب در شکل گیری تصورات قالبی و پیش داوری بهره گرفته می شود و مطالعات میدانی با استفاده از تکنیک پرسش نامه انجام خواهد گرفت.

کلید واژه ها

تصورات قالبی، پیش داوری، شخصیت قدرت طلب، هویت، روان شناسی اجتماعی.

* عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مقدمه

مفهوم تصورات قالبی و سایر مفاهیم مرتبط با آن نظیر پیش‌داوری، کلیشه‌سازی و تبعیض در طول دهه‌های گذشته همواره محل بحث و بررسی‌های علمی بی‌شماری بوده است و در طول این دوران، همواره به‌عنوان موضوعی پویا، مهم و اثرگذار، اهمیت خود را حفظ کرده است. تصورات قالبی و پیش‌داوری به‌نحوی جدی در همه جوامع وجود دارد و نقش و تأثیر آن گسترده، مخاطره‌آمیز و در برخی موارد سرنوشت‌ساز است. در غالب کشورهای جهان تلاش می‌شود از طریق پیمایش‌های سالیانه نوع رویکرد اقوام و گروه‌های هویتی به یکدیگر و میزان کلیشه‌سازی، پیش‌داوری و تبعیض مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در بریتانیا پژوهش‌هایی سالیانه در این زمینه انجام می‌گیرد و در قالب یک اثر علمی در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد (Abrams & Houston, 2006).

تصورات قالبی را می‌توان مجموعه‌ای از احساسات غالباً منفی، باورهای کلی و کنش‌ها درباره برخی گروه‌های اجتماعی دانست که دارای فرهنگ، قومیت، زبان و نژاد متفاوتی هستند. این تصورات، خصیصه‌ها، ویژگی‌های فیزیکی، علائم، نقش‌ها، الگوهای رفتاری و نظایر آن را در ارتباط با گروهی خاص منعکس می‌کنند و برای همه اعضای یک گروه، به‌رغم تمایزات و تفاوت‌های قابل ملاحظه، به‌کار می‌رود. تصور قالبی، ایده‌ای کلی درباره گروهی مشخص و یا دسته‌ای از افراد بر پایه برخی مفروضات پیشینی^۱ است که به‌واسطه آن باورهای ساده‌سازی شده و یکسانی (به دو صورت مثبت و یا منفی) نسبت به آن‌ها پیدا می‌کنیم. از این‌رو، فرایند تعمیم‌دهی به‌عنوان امری ذاتی در تصورات قالبی، دربردارنده تعمیم مبالغه‌آمیز خصیصه‌هایی برای اعضای یک گروه و احساس همگنی میان آن‌ها است (Stephan, 1985: 599-658; Schneider, 2004: 22; Cothorn, 2010).

تحقیقات در خصوص شخصیت قدرت‌طلب، پیوند بین اهمیت نگرش والدین و پیش‌داوری‌ها را نشان می‌دهد و این امکان را فراهم می‌سازد که به تعیین شرایط ظهور و بروز پیش‌داوری‌ها تحت تأثیر شخصیت والدین، پرداخته شود. تحقیقات صورت گرفته در زمینه شخصیت قدرت‌طلب، نشان می‌دهد که افراد از والدین خود، نگرش‌های مبتنی بر اقتدار را می‌آموزند. در واقع، رفتار والدین در کودکان تضاد روان‌شناختی ایجاد می‌کند. به‌طوری‌که آن‌ها الگوهای مشاهده می‌کنند که دارای بینش مقتدرانه هستند. در نتیجه این حالت کودک را وا می‌دارد که رابطه‌اش را با

احساسات هدایت شده به سوی والدین و دیگران تنظیم کند. در شرایط جدید، تجارب نخستین سال های زندگی می تواند اهمیت بسیار زیادی در شکل گیری پیش داوری ها داشته باشد. براساس این نظریه، شرایط خاص خانوادگی به ویژه سخت گیری بیش از حد، تأکید افراطی بر ارزش ها و تنبیه، شخصیت قدرت طلب را شکل می دهد. چنین افرادی شدیداً مبادی آداب، متعصب و مستعد پیش داوری اند. آنان براساس تصورات قالبی می اندیشند، از لحاظ عاطفی سرد و بی احساس اند و معمولاً با منابع قدرت همسان سازی می کنند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۱۲).

این مقاله مشتمل بر دو بخش نظری و پیمایشی است. در بخش نظری با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تبیین و تحلیل اطلاعات و دانش علمی موجود در زمینه شخصیت قدرت طلب و تأثیر آن بر تصورات قالبی و پیش داوری، تلاش خواهد شد با استفاده از روش جمع آوری کتابخانه ای، بنیان های نظری بحث پیریزی شود. در بخش دوم از روش پیمایشی برای سنجش تصورات و نگرش های دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ پیرامون نقش شخصیت قدرت طلب در شکل گیری تصورات قالبی و پیش داوری بهره گرفته می شود و مطالعات میدانی با استفاده از تکنیک پرسش نامه (به عنوان ابزار اصلی پژوهش) انجام خواهد گرفت.

گفتار اول: کلیات تحقیق

الف) ضرورت پژوهش

آنچه ضرورت پرداختن به بحث حاضر را بیش تر می کند، این است که اعضای گروه هایی که تحت تأثیر تصورات قالبی قرار گرفته اند با تهدید بنیادین هویت مواجه اند. زیرا از آنجا که تصورات قالبی دارای تأثیراتی نسبتاً پایدار است و در متن فرهنگ عمومی به سرعت انتشار می یابد، می تواند قابلیت ها و عزت نفس آن ها را تهدید نماید. وجود چنین تصوراتی می تواند برای گروه های هدف، مخاطره ای مضاعف در رابطه با نوع نگاه به شخصیت آن ها و رفتار به اقتضای این کلیشه ها را ایجاد نماید و «خودنگاره»^۱ آن ها را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه چنین مخاطره ای در درازمدت می تواند منجر به هویت زدایی پایدار^۲ و از دست رفتن اعتماد به نفس شود (Levy & milligan Hughes, 2009; Aronson, Quinn, Diane & Spencer, 1998: 86). ایجاد تعارضات مذهبی، قومی، فرقه ای، محلی، ملی، جنسیتی، تخریب روابط بین افراد و گروه ها، بروز چالش های سیاسی و امنیتی، ایجاد اختلال در فرایند سیاست گذاری عمومی، آسیب ها و

1- Self-Image

2- Chronic Disidentification

مخاطرات ناشی از منازعات و درگیری‌ها می‌تواند بخشی از تهدیداتی باشد که تصورات قالبی زمینه‌ساز آن‌ها است. متأثر از این مخاطرات و آسیب‌ها، برخی از پژوهش‌گران تمایل دارند از تصورات قالبی به‌عنوان «سم مهلک اجتماعی»^۱ (Jussim et al., 2009: 199) تعبیر کنند.

ب) پرسش‌های پژوهش

تصورات قالبی متأثر از چه عواملی شکل می‌گیرد؟ آیا بین گرایش‌های قدرت‌طلبانه در فرد و میزان تعامل با دیگر اقوام و گروه‌های هویتی رابطه‌ای وجود دارد؟ گرایش‌های قدرت‌طلبانه در فرد چه تأثیری بر فرایندهای قالبی‌سازی و پیش‌داوری دارد؟

ج) فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی و هم‌خوانی است و بیش از آن که فرضیه‌های موردنظر نویسنده (سوگیری‌های پیشینی) قابل اعتبار باشد، روابط بین متغیرها، همبستگی بین آن‌ها، نگرش‌ها و تصورات تکمیل‌کنندگان پرسش‌نامه ملاک ارزیابی و تحلیل خواهد بود. ضمن اذعان به این واقعیت و ضرورت عدم سوگیری پیشینی، برخی فرضیه‌های آگاهی‌بخش که بیشتر نقش ستاره راهنما در پژوهش حاضر را دارند، مطرح می‌گردد. این فرضیه‌ها چنین هستند:

به نظر می‌رسد:

بین گرایش‌های قدرت‌طلبانه در فرد و ارتباط با گروه‌های زبانی، قومی و مذهبی دیگر رابطه وجود دارد، به این معنا که با افزایش گرایش‌های قدرت‌طلبانه در فرد، تمایل به ایجاد ارتباط با گروه‌های دیگر کم‌تر می‌شود.

بین گرایش‌های قدرت‌طلبانه در فرد و تصورات قالبی رابطه وجود دارد، یعنی هر قدر گرایش‌های قدرت‌طلبانه در فرد بیشتر باشد، تصورات قالبی بیشتری را می‌پذیرد.

د) روش پژوهش و تکنیک‌های اجرایی

این پژوهش مشتمل بر دو بخش نظری و پیمایشی است. در بخش نظری با تبیین و تحلیل اطلاعات و دانش علمی موجود در زمینه پیش‌داوری و تفکرات قالبی، تلاش خواهد شد با استفاده از روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای، بنیان‌های نظری بحث پی‌ریزی شود. در بخش دوم از

1- Social Toxin

روش پیمایشی^۱ بهره گرفته می شود و مطالعات میدانی با استفاده از تکنیک پرسش نامه (به عنوان ابزار اصلی پژوهش) انجام خواهد گرفت.

محور اصلی این پژوهش، مقیاس سازی برای سنجش تصورات و نگرش های دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ درباره سایر گروه های هویتی می باشد. دلایل اصلی انتخاب برای انتخاب این دانشگاه به عنوان جامعه نمونه را می توان چنین برشمرد: الف. دانشگاه تهران- به عنوان دانشگاه مادر در کشور- دارای طیف متنوعی از دانشجویان با زمینه های قومی، زبانی و هویتی مختلف می باشد. بنابراین شاید بتوان این دانشگاه را از حیث حضور دانشجویان از شهرهای مختلف، «ایران در مقیاسی کوچک» دانست. ب. در دسترس بودن جامعه مورد تحقیق: تجربه حضور و تدریس نگارنده در دانشگاه تهران و امکان دسترسی به جامعه آماری مورد مطالعه یکی دیگر از دلایل انتخاب این دو دانشگاه به عنوان جامعه نمونه بوده است.

برای سنجش مفهوم تصورات قالبی و ابعاد کیفی آن، از طیف لیکرت و بوگاردوس بهره گرفته شده است. هدف طیف لیکرت اندازه گیری گرایش به یک موضوع براساس ارزش های جامعه می باشد و کاربرد این طیف نیز در جهت بررسی گرایش ها نسبت به مسأله سیاسی- اجتماعی و اقتصادی می باشد که در سطح ترتیبی نیز مورد سنجش قرار دارد. همچنین در پرسش نامه (۴۸ پرسش)، از طیف بوگاردوس نیز برای سنجش میزان فاصله اجتماعی گروه ها بهره گرفته شده است. بوگاردوس طیفی را در نظر گرفت که در یک سوی آن تمایل یا پذیرش و در سوی دیگر عدم تمایل یا انزجار و وسط آن تمایل متوسط تصور شده بود. فرض بر این است که اگر کسی با گویه اول موافق باشد با گویه های دیگر نیز موافق است بوگاردوس در تحقیق خود هفت گویه را در نظر گرفته بود (ازدواج، دوست صمیمی، همسایه، همکار، هموطن، میهمان و اخراج). این گویه ها را در اختیار پاسخ گو می گذارند، که باید اولین احساس و عکس العمل خود را اظهار نماید.

روایی صوری و محتوایی پرسش نامه این تحقیق (ارزیابی ذهنی محققان از روایی ابزار اندازه گیری)، با توجه به نظرات استادان صاحب نظر که در این زمینه تخصص کافی داشتند، تعیین گردید. سپس نظرات آن ها جمع آوری و سؤال هایی که همه اساتید روی آن توافق نظر داشتند، تدقیق شد. سپس با انجام پیش آزمون^۲ و تکمیل پرسش نامه ها توسط ۴۵ نفر از

1- Survey

2- Pre Test

دانشجویان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند و تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده، پرسش‌ها از حیث روایی^۱ و پایایی^۲ (با استفاده از روش آلفای کرونباخ) مورد سنجش قرار گرفته و بعد از حک و اصلاح گویه‌های بدون همبستگی و یا دارای همبستگی ضعیف با یکدیگر و افزایش میزان روایی تحقیق، روی آزمودنی‌ها اجرا شدند. در این پژوهش، میانگین آلفای کرونباخ پرسش‌های برابر با ۰/۹۰ می‌باشد که بیانگر همسانی درونی و پایایی قابل قبول و رضایت‌بخش است. علاوه بر این، با اتخاذ رویکردی کیفی، پایایی و روایی (استفاده از روش‌های چندگانه متناسب با پژوهش)، تأیید (کافی بودن حجم نمونه و انسجام روش‌شناختی پرسش‌نامه)، هدفمندی (انتخاب صحیح نمونه‌ها و تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها) و کاربردی بودن پرسش‌نامه نیز مورد توجه قرار گرفت که از صحت قابل قبولی برخوردار است. همچنین با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت Windows، داده‌های به دست آمده از طریق پرسش‌نامه‌ها، در سه سطح توصیفی، تبیینی و تحلیل چندمتغیری مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

هـ) حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل همه دانشجویان دانشگاه تهران (در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰) می‌باشد که تعداد دانشجویان آن بالغ بر ۳۶۰۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران و ۹۵ درصد اطمینان در دانشگاه تهران برابر با ۳۸۰ نفر برآورد شد، اما برای جلوگیری از بروز خطای بیشتر و همچنین بالا بردن ضریب اطمینان یا معنی دار بودن آماری و کم کردن تأثیر پرسش‌نامه‌هایی که ممکن بود به صورت ناقص تکمیل شوند، تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه به آن اضافه شد. در نهایت، بعد از بازبینی پرسش‌نامه‌ها و حذف موارد مخدوش، تعداد ۴۱۰ پرسش‌نامه وارد تحلیل نهایی گردید. بعد از تعیین حجم نمونه و با توجه به تعداد کل دانشجویان، ناگزیر به انتخاب شیوه نمونه‌گیری شدیم، که بعد از بررسی لازم در باب انواع شیوه نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (انتخاب تصادفی از بین شاخه‌های تحصیلی) استفاده شد.

1- Validity
2- Reliability

و) تبیین مفاهیم

۱. تصور قالبی

تصور قالبی از جمله مفاهیمی است که در حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی کاربرد دارد. واژه Stereotype از ادغام دو واژه یونانی (στερεότυπος) شکل گرفته است: (stereos) به معنای سخت و استوار^۱، و (τύπος) (typos) به معنای علامت یا نشانه‌گذاری و ادراک^۲. در حقیقت، معنای اولیه واژه Stereotype در زبان انگلیسی، به صفحات فلزی و قالب‌های سختی که برای تولید بشقاب‌های طرح‌دار به کار می‌رفت، اشاره داشت (Schneider, 2004: 6). چنان‌که «میلر» یادآور می‌شود «این واژه احتمالاً به دو معنا به کار می‌رفته است: تصلب^۳ و همانندسازی. بنابراین، وقتی این واژه را در ارتباط با افراد به کار می‌بریم، یعنی این‌که تصورات قالبی متصلب هستند و همه افراد مورد اشاره دارای خصیصه‌های مشابهی دانسته می‌شوند» (Miller, 1982: 4).

روان‌شناسان اجتماعی معتقدند تصورات قالبی به معنای «تعمیم درباره گروهی از افراد براساس خصیصه‌هایی همانند است که برای همه اعضای آن گروه صرف‌نظر از تفاوت عینی در میان اعضاء به‌نحوی اجتناب‌ناپذیر مفروض گرفته می‌شود و قالبی‌سازی را شناخت بر حسب کلیشه‌های ذهنی می‌دانند» (Aronson, 2006: 58). تمسک به تصورات قالبی در طبقه‌بندی‌های اجتماعی یک میان‌بر ذهنی است که افراد را قادر می‌سازد مطالب زیادی را درباره شخص یا گروهی از اشخاص، صرف‌نظر از این‌که آن دانش درست یا غلط باشد، بپذیرند. محتوای این تصورات قالبی آن است که اعضای برخی گروه‌ها دارای خصلت‌های معینی هستند (آذربایجانی و دیگران: ۳۰۲؛ کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۰ و ۲۳۰).

تصورات قالبی در بردارنده هر نوع شناختی نسبت به افراد و گروه‌های دیگر نیست، بلکه مشتمل بر تصورات نادرست و غیردقیق درباره آن‌هاست. به تعبیر بهتر، افراد ممکن است به‌رغم داشتن برخی اطلاعات محدود یا مبهم، در فرایند قالبی‌سازی برخی از واقعیت‌ها را به‌صورتی اغراق‌آمیز مورد توجه قرار داده و تعمیم دهند (Jussim et al., 2009: 200). از این‌رو، پژوهش‌گران علوم اجتماعی باورهای نادرست افراد که راجع به شخصیت، رفتار، نگرش، شایستگی‌ها، و در ارتباط با هر نوع گروه (جنسیت، نژاد، طبقه، شأن، محل زندگی و...) باشد، را

1- Solid and Firm

2- Blow, Impression and Engraved Mark

3- Rigidity

تصورات قالبی می‌گویند. گرچه تصورات قالبی ممکن است به افراد کمک کند تا اطلاعات موجود را سریع‌تر تجزیه و تحلیل کنند، از ابهامات کاسته شود و پیچیدگی‌ها نادیده گرفته شود؛ اما در نهایت منجر به ایجاد مقاومت در برابر مشاهدات و درک دقیق‌تر می‌گردد. در تعبیر نهایی، می‌توان تصورات قالبی را می‌توان مجموعه‌ای از احساسات غالباً منفی، باورهای کلی و کنش‌ها درباره برخی گروه‌های اجتماعی دانست که دارای فرهنگ، قومیت، زبان و نژاد متفاوتی هستند. این تصورات، خصیصه‌ها، ویژگی‌های فیزیکی، علائم، نقش‌ها، الگوهای رفتاری و نظایر آن را در ارتباط با گروهی خاص منعکس می‌کنند و برای همه اعضای یک گروه، به‌رغم تمایزات و تفاوت‌های قابل‌ملاحظه، به‌کار می‌رود. تصور قالبی، ایده‌ای کلی درباره گروهی مشخص و یا دسته‌ای از افراد بر پایه برخی مفروضات پیشینی^۱ است که به‌واسطه آن باورهایی ساده‌سازی شده و یکسانی (به دو صورت مثبت و یا منفی) نسبت به آن‌ها پیدا می‌کنیم. از این‌رو، فرایند تعمیم‌دهی به‌عنوان امری ذاتی در تصورات قالبی، دربردارنده تعمیم مبالغه‌آمیز خصیصه‌هایی برای اعضای یک گروه و احساس همگنی میان آن‌ها است (Hamilton and et al., 2009: 179;) (Stephan, 1985: 599-658; Schneider, 2004: 22; Cothorn, 2020: in Internet Sources

۲. پیش‌داوری

واژه «پیش‌داوری»^۲ از واژه لاتینی Praejudicium گرفته شده است که به معنای پذیرش اولیه یا پیش‌فرض^۳ است و به‌نحو تنگاتنگی مرتبط با واژه Prejudice به معنای از پیش قضاوت کردن است. در ادبیات عمومی، واژه پیش‌داوری مرتبط با مفاهیمی نظیر قضاوت منفی و پیش‌داوری به نفع برخی افراد یا برخی چیزها است. پیش‌داوری می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از واکنش‌های مؤثری باشد که ما درباره افرادی به‌واسطه عضویت آن‌ها در طبقه‌بندی خاص داریم (Shneider, 2004: 25).

پیش‌داوری، حکم مقدم بر تجربه است، واکنشی است که شخص نسبت به فردی یا چیزی پیش از هر گونه تجربه واقعی دارد و مبتنی بر تجربه نیست. پیش‌داوری به‌طور متعارف به‌عنوان نگرش غیرمنصفانه منفی^۴ در رابطه با یک گروه اجتماعی یا فردی است که به‌عنوان عضو آن گروه

- 1- Prior Assumptions
- 2- Prejudice
- 3- Preliminary or Presumption
- 4- Unfair Negative Attitude

تلقی می شود (Dovidio, 2001: 824). در برخی دیدگاه‌ها بر جنبه‌های منفی پیش داوری تأکید شده است. به طور مثال، ارونسون پیش داوری را چنین تعریف می کند: «پیش داوری نگرش منفی و خصمانه نسبت به گروهی مشخص را براساس تصمیم‌های ناشی از اطلاعات ناقص و یا نادرست است. براساس این دیدگاه هر گاه گفته می شود که شخصی علیه سیاه‌پوستان تعصب و پیش داوری دارد، مقصود آن است که او تمایل دارد رفتاری خصمانه نسبت به سیاه‌پوستان داشته باشد» (ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۱۵۳). فورسیت هم در تعبیری مشابه می نویسد: «پیش داوری، دوست داشتن یا بیزاری از افراد به دلیل عضویت آنان در یک گروه اجتماعی است که معمولاً پیش تر به سوگیری منفی اشاره دارد» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

در واقع، پیش داوری به معنای تصورات و عقاید منفی نسبت به یک گروه یا اعضای آن و یا به نمایش گذاشتن رفتارهای ستیزه‌جویانه نسبت به آن‌ها، پیش از شناخت آن‌ها است (Brown, 1995: 5-6). راپرت براون^۱ در کتاب «پیش داوری: زمینه‌های اجتماعی آن» می نویسد: «تصورات قالبی پدیده‌ای منفی است که به عنوان دیدگاه وارونه و تصورات نادرست شناخته می شود و حداقل یکی از دلایل تسهیل کننده منازعه است» (Brown, 2001: 82). این مسأله یکی از مبانی تفوریک سازمان یونسکو برای ارائه «پروژه تنش»^۲ بود که در آن آمده است:

«باورهای نادرست، که کمابیش از طریق تبلیغات بین‌المللی رسانه‌های جمعی تغذیه می شود؛ عنصری مهم در شکل گیری منازعه است. تحریف باورها، ایجاد و گسترش تعصبات به جای دانش واقعی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل گیری جنگ‌های گرم و سرد است» (Jahoda, 2001: 8)

پیش داوری مفهومی است که برای اشاره به نگرش‌ها یا رفتارهای منفی در رابطه با افراد به واسطه عضویت آن‌ها در گروهی خاص به کار می رود. به هر حال کاربرد چنین واژه‌هایی به نحوی، بعد ارزشی نامطلوب یا غیرقابل توجیه بودن این نگرش‌ها یا رفتارها را نیز منعکس می کند. به عنوان مثال، پیش داوری به عنوان پدیده‌ای بدون اطلاعات کافی (آلپورت)؛ شکست عقلانیت (هاردینگ)^۳ و غیرمنطقی، ناعادلانه و غیرهم‌پذیرانه^۴ تعریف می شود. به طور کلی، پیش داوری چنین تحلیل می شود:

1- Rupert Bron
2- Tensions Project
3- Harding
4- Intolerant

الف) سوگیری منفی نسبت به اعضای گروهی خاص (مبتنی بر نژاد، قومیت، زبان، جنسیت، مذهب و...) می باشد، زیرا پیامدهای منفی چنین نگرش‌هایی می‌تواند برای مدت‌ها باقی بماند؛
ب) نامطلوب و غیرعادلانه است، زیرا چنین دیدگاه‌هایی نتیجه تحریف و اعوجاجات شناختی^۱ می‌باشد؛
ج) غیرمنطقی و نادرست است، زیرا پیش‌داوری ارتباطی با واقعیت اجتماعی پذیرندگان ندارد؛
د) متصلب است، زیرا حتی اگر اطلاعات متضادی با این نگرش‌ها به دست آید، چندان تغییر نمی‌کنند (2: Augoustinos & Katherine J. Reynolds, 2001).

گفتار دوم: نظریه شخصیت قدرت طلب

تحقیقات در خصوص شخصیت قدرت طلب، پیوند بین اهمیت نگرش والدین و پیش‌داوری‌ها را نشان می‌دهد و این امکان را فراهم می‌سازد که به تعیین شرایط ظهور و بروز پیش‌داوری‌ها تحت تأثیر شخصیت والدین، پرداخته شود. تحقیقات در زمینه شخصیت قدرت طلب، نشان می‌دهد که افراد از والدین خود نگرش‌های مبتنی بر اقتدار را می‌آموزند و افرادی که دارای والدین مستبد هستند، معمولاً تمایل جدی به ارائه رفتارهای پر خاش‌گرانه بر اساس رفتار والدین خود دارند. در واقع، رفتار والدین در کودکان تضاد روان‌شناختی ایجاد می‌کند. به طوری که آن‌ها الگوهای مشاهده می‌کنند که دارای بینش مقتدرانه هستند. در نتیجه این حالت کودک را و می‌دارد که رابطه‌اش را با احساسات هدایت شده به سوی والدین و دیگران تنظیم کند تا شرایط جدیدی تجارب نخستین سال‌های زندگی می‌تواند اهمیت بسیار زیادی در شکل‌گیری پیش‌داوری‌ها داشته باشد. کودکان می‌آموزند چگونه تفکر کنند، ببینند و کارهای خود را ارزیابی نمایند.

در طول دوران جنگ جهانی دوم، پژوهش‌گرانی نظیر تئودور آدورنو^۲ و السا فرنکل-برونسویک^۳ که هر دو از آوارگان آلمانی بودند، به همکاری با روان‌شناسان آمریکایی دانیل. جی لوینسن^۴ و آر. نویت سانفرد^۵ در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی پرداختند. این گروه با ایجاد کمیته‌ای پژوهشی به بحث پیرامون ریشه‌های نژادپرستی در آلمان نازی پرداختند. آن‌ها با تلاش جهت فهم روابط متقابل میان دو حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به مطالعه مسائلی نظیر رابطه فرهنگ و شخصیت پرداختند (41-42: Duckitt, 2001).

- 1- Cognitive Distortions
- 2- Theodor Adorno
- 3- Elsa Frenkel-Brunswik
- 4- Daniel J. Levinson
- 5- R. Nevitt Sanford

اما مشهورترین تبیین در این زمینه نظریه شخصیت قدرت طلب تئودور آدورنو^۱ و همکاران وی است. محور اصلی نظریه آدورنو و همکارانش در کتاب «شخصیت قدرت طلب»^۲، بررسی ریشه های یهودستیزی بود (این اثر توسط انجمن یهودیان آمریکا حمایت مالی شد)؛ ولی قوم گرایی، محافظه کاری سیاسی و اقتصادی و زمینه های شکل گیری فاشیسم را نیز مورد تأکید قرار می داد. این پژوهش تحت تأثیر این دیدگاه بود که شخصیت نخستین عامل تعیین کننده در نابردباری، تعصب و نگرش های اجتماعی (پیش داوری و قوم محوری) است (Augoustinos, 2001: 90). آن ها چنین مطرح کردند که شیوه های والدین برای تنبیه و تهدید کودکان موجب ایجاد پیش داوری های نژادی در آن ها می شود؛ زیرا فرزندان که چنین تنبیه ها و تهدیدهایی را تجربه کرده اند، «خود» (من)^۳ در آن ها کم تر رشد یافته است. آدورنو، فرنکل^۴، برونسویک^۵، لوینسن^۶ و سانفورد^۷ استدلال کردند که والدین خشن ممکن است فرزندان شان را مجبور کنند که نگرش تهاجمی به اعضای گروه های دیگر داشته باشند (Shneider, 2004: 358). در محیطی که به نحوی اجبارآمیز اطاعت و هم رنگی ترویج می شود، بچه ها بر پایه سازوکارهای دفاعی، سوانق تهاجمی خود را نظیر فرافکنی عصبانیت نسبت به منحرفین^۸ آزاد می کنند. این فرافکنی عصبانیت نسبت به طردشدگان اجتماعی، که در برخی شرایط می تواند شامل اعضای اقلیت های قومی و نژادی باشد منجر به شکل گیری پیش داوری نسبت به برخی گروه های بیرون می شود.

از نظر آدلر، برتری جویی نشانه شکست جبران مضاعف^۹ در انسان کم تر تحقیر شده است. انسانی که براساس اساس کهنتری خویشتن برانگیخته شده و اعتباربخشی به خود را گاهی در یک فعالیت مثبت و زمانی در رفتارهای غیراجتماعی^{۱۰} و ضداجتماعی^{۱۱} جستجو می کند. روان آزدگی^{۱۲} ناشی از احساس کهنتری بر مبنای تمایل به توانمندی و تهییج احساس شخصیت بنا می شود، تمایلی که به منزله یک نیروی جبرانی است که براساس آن فرد کوشش می کند تا به حالت نایمنی^{۱۳} سرپوش

- 1- Theodor Adorno
- 2- The Authoritarian Personality
- 3- Ego
- 4- Frenkel
- 5- Brunswik
- 6- Levinson
- 7- Sanford
- 8- Social Deviants
- 9- Overcompensation
- 10- Asocial
- 11- Anti Social
- 12- Neurosis
- 13- Insecurity

بگذارد. بنابراین احساس برتری، مبین ناامیدی فردی است که احساس می‌کند در شرایط بهنجار هرگز نمی‌تواند نسبت به ارزش خود یقین حاصل کند. به عبارت دیگر، برتری‌جویی یک حرکت جبرانی زودرس است که احساس اجتماعی از آن رخت برسته است و هر اندازه احساس کهنتری (حقارت) گسترده‌تر شود، برتری‌جویی نیز بیش‌تر خواهد بود (دادستان، ۱۳۷۶: ۳۱۷-۳۱۶).
 براساس نظریه شخصیت قدرت‌طلب، سه عنصر ضروری برای ایجاد شخصیت اقتدارطلب عبارتند از:

۱- رشد در فرهنگی که برخی گروه‌ها را تحقیر کند؛

۲- احساس نیاز به محبت یکی از والدین؛

۳- داشتن والدینی که تنبیه‌گر و بی‌احساس (سردمزاج)^۱ باشند.

آدورنو و همکاران، شخصیت قدرت‌طلب را به‌عنوان مجموعه‌ای پیچیده از علائم رفتاری، نگرش‌ها و خلیات^۲ تلقی نمودند. در تحقیق آدورنو و همکاران، روشی برای سنجش شخصیت قدرت‌طلب تحت عنوان مقیاس F^۳ (به‌معنای فاشیست) طراحی شده است. این مقیاس مشتمل بر نه مؤلفه است که در این جدول می‌آید (Augoustinous & Reynolds, 2001: 91):

مؤلفه‌های مقیاس F

پیروی از رسوم و عرف موجود	تمایل به حمایت از هنجارهای ایجاد شده توسط گروه خودی یا آن‌هایی که در ارتباط اقتدار است.
سلطه‌پذیری	پذیرش بی‌قید و شرط گروه خودی یا چیزهایی که در ارتباط با قدرت است.
متابعت اقتدارطلبانه	نابردباری و عدم پذیرش کسانی که ارزش‌های متعارف را نقض کنند.
پرخاشگری قدرت‌طلبانه	ادراکی که افراد خلاق و برخوردار از تخیل قوی، «تهدید» هستند.
مخالفت با عاطفی‌گرایی ^۴	باور به این‌که عاطفه و احساس به‌عنوان نیرویی مخرب و خطرناک در جهان دست به کارند.
تخریب و بدبینی ^۵	ستیزش تعمیم‌یافته به‌خصوص نسبت به افراد ضعیف و برون‌گروه
قدرت و نیرومندی	هویت‌یابی با پیشوا، تأکید بر تمایز قدرتمند/ضعیف، پیشوا/پیروان
فرافکنی ^۶	معرفی دیگران به‌عنوان عامل شکست‌ها
خرافه و قالبی‌سازی	تمایل به تفکر جزم‌گرایانه و باور به این‌که بسیاری از اتفاقاتی که می‌افتد ناشی از عوامل مرموز است.

- 1- Punitive and Unaffectionate
- 2- Dispositions
- 3- Fascist Scale (F Scale)
- 4- Anti-Intracception
- 5- Destructiveness and Cynicism
- 6- Projectivity

در پژوهش‌های مستقلی که توسط پژوهش‌گرانی دیگر انجام شد، این مقیاس تأیید شد. به‌عنوان مثال، «هیت و کَلگ»^۱ در پژوهشی که میان ۱۴۱ دانشجوی دانشگاه در جنوبی‌ترین مناطق ایالات متحده انجام دادند، دریافتند که قدرت‌طلبان احتمالاً بیش از شخصیت‌های غیرقدرت طلب به تمایز نژادی در مدارس و کلیسا اعتقاد دارند (Augoustinous and Reynolds, 2001: 22). با این اوصاف، نظریه قدرت طلب از چند جهت مورد نقد قرار گرفته است. نخست آن‌که، شواهد بسیار کمی برای فرایندهای روانی/ روان‌پویایی که ادعا می‌شود، وجود دارد. در حقیقت شواهدی بر علیه این فرضیه که والدین تنبیه‌گر به پرورش فرزندان قدرت طلب کمک می‌کنند، وجود دارد (see: Pratto, 2004). پژوهش‌های صورت گرفته با تمرکز بر شخصیت قدرت طلب بر پایه تفاوت‌های فردی و عدم توجه این نظریه به اوضاع و موقعیت و یادگیری اجتماعی موجب بروز نوعی تناقضی منطقی می‌شود: چگونه پیش‌داوری هنجاری در جامعه‌ای که صرفاً برخی افراد در آن جامعه این پیش‌داوری را دارند، می‌تواند تبیین شود؟ از این منظر رفتارهای مبتنی بر پیش‌داوری یا تصورات قالبی در آفریقای جنوبی یا سفیدپوستان آمریکا کم‌تر از طریق شخصیت افراد قابل توضیح است و باید بیش‌تر به ابعاد نهادینه شدن این امر در فرهنگ توجه نمود. بنابراین، نظریه شخصیت قدرت طلب به این سؤال مهم درباره فرهنگ پیش‌داوری پاسخ نمی‌دهند (Eckhardt, 1991: 97-124).

نقد دیگری که بر این نظریه وارد است، هم سیاسی و هم تئوریک است. افرادی که به‌عنوان محافظه‌کار و پدرسالار و دارای شخصیت قدرت طلب معرفی می‌شوند، لزوماً به‌نحوی دقیق قابل تشخیص نیستند. پژوهش‌گرانی نظیر ادوارد شیلز^۲ و میلتون رکیچ^۳ که نابرداری افراطی می‌تواند در دو سر طیف‌های سیاسی (چپ و راست) دیده شود. به‌عنوان مثال، به همان نسبت کمونیست‌ها نیز می‌توانند سطح بالایی از نابرداری را داشته باشند. در واقع، آدورنو و همکاران چنین ایده‌ای را مسلم فرض کرده بودند. اما آن‌ها هیچ‌گونه شواهد تجربی برای قدرت‌طلبی جناح چپ (سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها) مطرح نکرده بودند (www.Sage-ereference.com/processes-underline, n15.html).

1- Hites and Kellogg
2- Edward Shills
3- Milton Rokeach

به‌رغم آن‌که نظریه شخصیت قدرت‌طلب بیشتر تا دهه ۱۹۶۰ در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی و سیاسی محوریت داشت و نتایج آن چندان قانع‌کننده به‌نظر نمی‌رسید، اما در سال‌های اخیر احیا شده و در آثار باب آلت‌میر (1981; Altemeyer, 1996; see) مورد بازنگری قرار گرفته و ابعاد نظری آن تقویت شده است. آلت‌میر تلاش می‌نماید تا مبانی نظریه شخصیت قدرت‌طلب را در ارتباط با آثار «تئودور آدورنو»^۱ و همکارانش تبیین نماید و ابهام آن را رفع نماید. او در تبیین خصیصه‌های شخصیت قدرت‌طلب، سه دسته نگرش را نام می‌برد: متابعت قدرت‌طلبانه (به‌معنای تمایل شدید به اطاعت از قدرت فرادستی)، تهاجم قدرت‌طلبانه^۲ (اعمال سلطه بر زیردستان و پرخاشگری) و پیروی از سنت‌ها و اطاعت‌گرایی (انطباق با ارزش‌های اجتماعی و عدم تمایل برای به‌چالش کشیدن شیوه‌های متعارف). افرادی که در قدرت‌طلبی نمره بالایی در مقابل گروه‌های غیرخودی پیش‌داوری بیش‌تری دارند، احتمالاً قومیت‌محورند، از لحاظ شناختی پیچیدگی کم‌تری دارند و احتمالاً در موقعیت‌های مبهم بیش‌تر به تصورات قالبی تکیه می‌کنند (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۲). در واقع، این افراد معمولاً خودمحور هستند و مستعد بروز زمینه‌های هر گونه تعصب، افراط و فشار علیه هر گروهی هستند که بیرون از خود تصور می‌کنند (Altemeyer, 2004: 87). مقیاس‌های ارائه شده آلت‌میر برای فهم و ارزیابی ابعاد و ریشه‌های قدرت‌طلبی راست‌گرایانه در اروپا به‌نحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت (735; Duckitt, 1994; see: Altemeyer, 1988).

در ادبیات جدید که پیرامون شخصیت قدرت‌طلب نوشته شده است، به‌جای توصیف قدرت‌طلبی به‌عنوان سندرم (نشانگان)^۳ پیش‌داوری یا به‌عنوان مقوله‌ای ذاتاً سیاسی، نظریه‌پردازان تلاش نموده‌اند تا هسته روان‌شناختی آن را از طریق تأکید بر جهت‌گیری اجتماعی-احساسی^۴ یا شناختی مشخص کنند. نظریه‌پردازان که جهت‌گیری اجتماعی-احساس را در دستور کار قرار می‌دهند، هسته روان‌شناختی قدرت‌طلبی را با تأکید بر جهت‌گیری‌های عاطفی-اجتماعی یا شناختی در رابطه با افرادی که دارای افکار خشن^۵ یا احساساتی هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهند. در این زمینه پژوهش‌گران معتقدند که شخصیت‌های قدرت‌طلب خشن یا احساساتی و

1- Thodore Adorno

2- Authoritarian Aggression

3- Syndrome

4- Socio-Emotional

5- Tough-Minded

مهربان هستند (تد گرتزل و هانس ایسنک^۱)، دائماً احساس ترس می کنند (دیوید وینتر و بیل پترسون^۲)، جهان را جای خطرناکی می دانند (جان داکیت^۳)، از خودمختاری فردی ناخرسند هستند و احساس خوشایندی نسبت به آن ندارند (دتلف اُستریچ^۴) و هم‌نوایی را ابزاری برای تحقق نظم اجتماعی می‌پندارند (Pratto, 2004: 4). روان‌شناسان معتقدند نشانه‌ها و مشخصه‌های محافظه‌کاری و پیش‌داوری به صورت عام ممکن است به صورت ترس از عدم قطعیت عدم اطمینان (مایکل هاگ^۵)، تلقی جهان به عنوان مکانی خطرناک (جان داکیت^۶)، نابردباری در برابر ابهام (گلن ویلسن^۷)، جزمیت شناختی (ریچارد کریستین^۸) و احساس نیاز به قطعیت شناختی (اری کروگلسنکی^۹) تلقی انطباق و هم‌نوایی به عنوان ابزاری برای نظم اجتماعی (استانلی فلدمن^{۱۰})، ظاهر شود (see: Pratto, 2004).

گفتار سوم: توصیف و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها

در این بخش از مقاله، از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به بررسی یافته‌های توصیفی و آزمون فرضیات پرداخته می‌شود. در قسمت یافته‌های توصیفی، براساس متغیرهای مختلف، جداول توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، درصد فراوانی تجمعی خواهد آمد. در قسمت دوم به آزمون فرضیات و سایر متغیرهای مربوط، از طریق آزمون‌هایی، نظیر همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آزمون t ، تحلیل واریانس و رگرسیون پرداخته می‌شود. از آنجایی که این پژوهش به سنجش و تحلیل میزان پیش‌داوری و تصورات قالبی در بین دانشجویان دانشگاه تهران می‌پردازد، تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها در دانشگاه تهران خواهد آمد.

- 1- Ted Goertzel and Hans Eysenck
- 2- David Winterand Bill Petersen
- 3- John Duckitt
- 4- Detlef Oesterreich
- 5- Micheal Hogg
- 6- John Ducitt
- 7- Gleen Wilson
- 8- Richard Christie
- 9- Arie Kruglanski
- 10- Stanley Feldman

الف) توصیف متغیرها

متغیرهای این تحقیق در سه دسته متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیرهای مستقل و متغیر وابسته قرار می‌گیرند. اگرچه متغیرهای جمعیت‌شناختی یا زمینه‌ای بخشی از متغیرهای مستقل فرضیات تحقیق هستند لیکن به‌منظور ارائه تصویری گویا از پاسخ‌گویان، تلاش شده که به‌طور جدا از سایر متغیرهای مستقل به این متغیرها پرداخته شود. در ادامه نتایج بررسی توصیفی هر یک از متغیرهای سه‌گانه ارائه خواهد شد.

۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی

جنسیت، سن، محل سکونت، وضعیت اشتغال، درآمد ماهانه پاسخ‌گو، درآمد ماهانه خانوار، سطح تحصیلات، شاخه تحصیلی، تعداد ترم تحصیلی حضور در دانشگاه، میزان تحصیلات والدین و قومیت پاسخ‌گو از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق هستند که به بررسی توصیفی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۱- جنسیت پاسخ‌گویان

بررسی نمونه آماری انتخاب شده از جامعه آماری دانشجویان از لحاظ جنسیت؛ همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که تقریباً نصف پاسخ‌گویان، مرد و نصف دیگر، زن بوده‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی جنسیت پاسخ‌گویان

جنسیت	تعداد	درصد	درصد معتبر
زن	۲۰۲	۴۹/۳	۴۹/۳
مرد	۲۰۸	۵۰/۷	۵۰/۷
کل	۴۱۰	۱۰۰	۱۰۰

۱-۲- سن پاسخ‌گویان

میانگین سن پاسخ‌گویان، تقریباً ۲۲ سال (انحراف استاندارد، ۳/۷) بوده که حداقل سن افراد پاسخ‌گو، ۱۷ سال و حداکثر سن آنان، ۴۷ سال است. سن ۲۱ ساله از بیش‌ترین فراوانی برخوردار است. در جدول ۲، توزیع فراوانی گروه‌های سنی دانشجویان نشان داده شده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی سن پاسخ گویان

گروه سنی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۱۷-۲۰	۱۶۹	۴۱/۲	۴۱/۶	۴۱/۶
۲۱-۲۳	۱۴۵	۳۵/۴	۳۵/۷	۷۷/۳
۲۴-۲۶	۵۶	۱۳/۷	۱۳/۸	۹۱/۱
۲۷ و بیش تر	۳۶	۸/۸	۸/۹	۱۰۰
کل	۴۰۶	۹۹	۱۰۰	
داده مفقوده	۴	۱		
کل	۴۱۰			

همان طور که آمار ارائه شده در جدول ۲ نشان می دهد، اکثریت قریب به اتفاق پاسخ گویان (۷۷/۳ درصد)، در گروه سنی ۱۷-۲۳ ساله قرار دارند.

۳-۱- وضعیت تحصیلی پاسخ گویان

جدول ۳، توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانشجویان و جدول ۴، توزیع فراوانی شاخه تحصیلی آن ها را نشان می دهد.

جدول ۳- توزیع فراوانی مقطع تحصیلی پاسخ گویان

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
کاردانی	۷	۱/۷	۱/۷
کارشناسی	۳۱۱	۷۵/۹	۷۷/۶
کارشناسی ارشد	۷۴	۱۸	۵۹/۶
دکتری	۱۸	۴/۴	۱۰۰
کل	۴۱۰	۱۰۰	

براساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، دانشجویان مقطع کارشناسی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند. کمترین فراوانی مربوط به دانشجویان کاردانی است. آمار ارائه شده در جدول ۴، بیانگر آن است که پاسخ گویان از نظر شاخه تحصیلی، از درصد نزدیک به هم برخوردار بوده و هر کدام به جز شاخه کشاورزی، بیش از ۲۵ درصد جمعیت نمونه آماری را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۴- توزیع فراوانی شاخه تحصیلی پاسخ‌گویان

شاخه تحصیلی	تعداد	درصد	درصد معتبر
علوم پایه	۱۰۷	۲۶/۱	۲۶/۳
علوم انسانی و هنر	۱۰۵	۲۵/۶	۲۵/۸
کشاورزی	۹۱	۲۲/۲	۲۲/۴
فنی و مهندسی	۱۰۴	۲۵/۴	۲۵/۶
کل	۴۰۷	۹۹/۳	۱۰۰
داده مفقوده	۳	۰/۷	
کل	۴۱۰	۱۰۰	

۲. گرایش قدرت‌طلبانه

میانگین گرایش قدرت‌طلبانه بر روی دامنه (۰-۱۰) ۴/۵۵ (انحراف استاندارد ۱/۵۹) است. این میزان بیانگر وضعیتی متوسط به پائین است. جدول ۵، توضیحات بیشتری را در رابطه با این متغیر ارائه نموده است.

جدول ۵- توزیع فراوانی نمرات متغیر گرایش قدرت‌طلبانه

گرایش قدرت‌طلبانه	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پائین	۱۸۵	۴۵/۱	۴۷	۴۷
متوسط	۱۹۵	۴۷/۶	۴۹/۵	۹۶/۴
بالا	۱۴	۳/۴	۳/۶	۱۰۰
کل	۳۹۴	۹۶/۱	۱۰۰	
داده مفقوده	۱۶	۳/۹		
کل	۴۱۰	۱۰۰		

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، درصد اندکی از افراد، دارای شخصیت قدرت‌طلب یا گرایش‌های قدرت‌طلبانه سطح بالا هستند. افرادی که چنین گرایشی را در حد پائینی دارا هستند، از درصد نسبتاً بالا برخوردار بوده؛ همچنین در حدود نیمی از افراد، در سطح متوسط از شخصیتی قدرت‌طلب برخوردارند.

ب) بررسی روابط متغیرها

این بخش از مقاله به بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته می پردازد. از این رو در بخش اول به بررسی آزمون فرضیات تحقیق در قالب روابط دومتغیره و در بخش بعدی به بررسی تشریحی فرضیات تحقیق در قالب روابط چندمتغیره پرداخته خواهد شد.

۱. روابط دومتغیره

رابطه بین گرایش قدرت طلبانه و تصورات قالبی فرضیه: بین گرایش های قدرت طلبانه در فرد و تصورات قالبی رابطه وجود دارد، یعنی هر قدر افراد دارای گرایش های قدرت طلبانه بیش تری باشند، تصورات قالبی بیش تری را می پذیرند. به منظور آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج اجرای آن در جدول ۶، مشاهده می شود.

جدول ۶- نتایج بررسی رابطه گرایش قدرت طلبانه و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی r پیرسون

ضریب همبستگی	سطح معنی داری (یک دامنه)	تعداد
۰/۱۵۰	۰/۰۰۲	۳۷۱

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود، رابطه معنی دار و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد به این معنا که با افزایش گرایش قدرت طلبانه افراد بر میزان تصورات قالبی در آنها افزوده می شود.

۲. رگرسیون چندمتغیره

«رگرسیون چندگانه دربرگیرنده یک متغیر وابسته (متغیر معیار) و دو یا چند متغیر مستقل (پیش بینی کننده) است. به کارگیری بیش از چند متغیر پیش بینی کننده، معمولاً دقت پیش بینی را افزایش می دهد. ضرایب همبستگی چندگانه (R) نشان دهنده رابطه بین متغیر معیار و جمع وزنی از متغیرهای پیش بینی کننده است. در نتیجه (R^2) معرف مقدار واریانس متغیر معیار (وابسته) است که به وسیله ترکیبی از متغیرهای پیش بینی کننده تبیین می شود» (تامس و نلسون، ۱۳۸۶: ۲۰۹).

در تحلیل های دومتغیره بین متغیرهای گرایش قدرت طلبانه در افراد با میزان تصورات قالبی آنها به عنوان متغیر وابسته، همبستگی پیرسون معنی دار وجود دارد. در تحلیل رگرسیون

چندگانه ابتدا این چند متغیر را با روش گام به گام وارد دستگاه رگرسیونی می‌کنیم به این منظور که این متغیرها چند درصد از واریانس تصورات قالبی را تبیین می‌کنند و میزان تأثیر هر متغیر چقدر است. برای بررسی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل از ضریب رگرسیون استفاده می‌شود. «ضرایب رگرسیون جزئی نشان‌دهنده مقدار تأثیر مستقل هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. با استاندارد کردن ضرایب رگرسیون می‌توان گفت که کدام متغیر دارای بیش‌ترین تأثیر است» (دواس، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

نتایج اجرای رگرسیون با شیوه گام به گام نشان داد که چند مدل را می‌توان استخراج کرد لیکن مدلی که دارای بیش‌ترین متغیر بود، در اینجا انتخاب شد. این مدل شامل متغیرهای گرایش به تعمیق روابط با گروه‌های قومی، میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و نقش خانواده و دوستان است. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۷، این سه متغیر با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده، حدود ۰/۰۸ واریانس تصورات قالبی را تبیین می‌کنند. همچنین میزان همبستگی (مقدار r) ترکیبی از این سه متغیر با تصورات قالبی نزدیک به ۰/۲۹ است.

جدول ۷- خلاصه مدل رگرسیونی

مقدار r	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد پیش‌بینی
۰/۲۸۹	۰/۰۸۴	۰/۰۷۴	۸/۴۹۹۰۳

نتیجه‌گیری

فهم زوایا و ابعاد مفهومی تصورات قالبی و پیش‌داوری و سنجش میزان تصورات قالبی و پیش‌داوری در رابطه با شخصیت قدرت‌طلب هدف اصلی این پژوهش بود. در این پژوهش تلاش خواهد شد با به‌کارگیری روش‌شناسی و تحلیل‌های دانش‌بنیان، دیدگاه بخشی از افراد جامعه (دانشجویان دانشگاه تهران) درباره گروه‌های دیگر در جامعه درک و تجزیه و تحلیل شود. سنجش و ارزیابی میزان تصورات قالبی و پیش‌داوری و این‌که تا چه میزان این مسأله بر نوع نگاه آن‌ها به دیگران اثر نهاده است، دغدغه اصلی این پژوهش است. تمهید پرسش‌نامه با هدف درک نشانه‌ها و الگوهای حاکم بر نگرش‌ها، احساسات و ترجیحات دانشجویان دانشگاه یزد درباره گروه‌های دیگر با این هدف صورت گرفت.

منشأ و دلایل تصورات قالبی ناشی از عوامل گوناگونی است مشتمل بر عوامل درون‌فردی، عوامل و محرک‌های شناختی، بینافردی، نهادی و فرهنگی است (Gaetner & John F. Dovidio)

489: 2004) و نمی توان آن را صرفاً در رابطه با یک عامل نظیر شخصیت قدرت طلب سنجد. تصورات قالبی و پیش داوری پدیده هایی پیچیده و چندوجهی هستند و برای ارزیابی و تحلیل آن ها می بایست به عوامل و دلایل گوناگونی که در شکل گیری آن ها مؤثرند به صورت ترکیبی نگریست. تصورات قالبی برآمده از باورهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که خود بخشی از یک چارچوب گسترده ساختاری، هنجاری و ادراکی است.

از آن جایی که تلاش برای دستیابی به یک چشم انداز فاقد تنوع و کاملاً یک دست سودمند نیست و حتی می توان مخرب باشد، ابتدا باید تلاش نمود تا باورهای نادرست را تغییر داد. شاید ابعاد این رویکرد مناسب به نظر برسد، اما تحقق آن دشوار به نظر می رسد و نیازمند برنامه ریزی دقیق و علمی است. روان شناسان و تحلیل گران مسائل اجتماعی علاقه مند به یافتن راه های کاهش قالبی سازی و پیش داوری اند. دو راهکار عینی برای مدیریت پیامدهای تصورات قالبی در این زمینه چنین اند: الف) تغییر در محتوای تصورات قالبی (ویژگی ها یا نشانه های مشخص قابل کاربرد برای گروه های هویتی دیگر) با محوریت جهت دهی بی طرفانه و مثبت، زیرا لزوماً تمرکز بر تغییر آن ها به معنای بهبود شرایط نمی باشد و ممکن است به رغم تلاش برای تغییر و کنترل آن ها، شاهد ظهور مجدد تصوراتی منفی با ابعاد مخرب تری باشیم.

ب) تغییر در میزان اجماع و میزان توافق افراد برای نسبت دادن برخی صفات به برخی گروه ها که به صورت کاهش قطعیت و ثبوت آن ها ممکن می شود. ابتدا تعیین سطح میزان اجماع در رابطه با تصورات نسبت به هر یک از اقوام، سپس تصمیم گیری بر پایه درجه این اجماع اجتماعی درباره تصورات قالبی پرتطرفدار ممکن است عمده تاً مبتنی بر پایه اطمینان به آن ها باشد. اگر تصورات در طول زمان بیش تر مورد توجه باشند، در نتیجه ممکن است آثار مخرب بالقوه آن به اعضای گروه تحت قالبی سازی بیش تر باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲). **روان شناسان اجتماعی**، با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

دادستان، پریخ (۱۳۷۶). «آدلر و آدلرنگری»، **مجله روان شناسی**، سال اول، شماره ۴، زمستان. کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶). **مقدمه ای بر روان شناسی سیاسی**، ترجمه سیدکمال خرازی و جواد علاقبندراد. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

ب) منابع انگلیسی

- Abrams, Dominic & Diane, M. Houston (2006). Equality, Diversity and Prejudice in Britain. **Report for the Cabinet Office Equalities Review**, October: University of Kent Center for the Study of Group Processes.
- Altemeyer, Bob (1981). **Rightwing Authoritarianism**, Winnipeg: **University of Manitoba Press**.
- Altemeyer, Bob (1988). **Enemies of Freedom: Understanding Right Wing Authoritarianism**. San Francisco: Jossey Bass; John Duckitt (1994), Rightwing Authoritarianism and Political Intolerance Among Whites in the Future Majority Rule South Africa, **Journal of Social Psychology**, 34, Dec: 6 (735-74).
- Altemeyer, Bob (1996). **The Authoritarian Specter**, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Altemeyer, Bob (2004). The Other Authoritarian Personality, in: John Jost and Jim Sidanius (Eds), **Political Psychology: Key Reading**. New York: Psychology Press.
- Aronson, Eliot (2006). Adventures in Experimental Social Psychology: Roots, Branches, and Sticky New Leaves. In **Reflection on 100 years of Experimental Social Psychology**. Eds by A. Rodrigues and R. Levine. Los Angeles, Westview;
- Aronson, Joshua, Quinn, Diane, M. & Spencer, Steven J. (1998). Stereotype Threat and the Academic Underperformance of Minorities and Women. In **Prejudice: The Target's perspective**. Edited by Janet K. Swim and Charles Stangor. San Diego: Academic press.
- Augoustinos, Martha & Katherine J. Reynolds (2001). **Understanding Prejudice, Racism and Social Conflict**, London: Sage Publications.
- Brown, Rupert (2001). **Prejudice: It's Social Psychology**. Oxford, Blackwell.
- Brown, Rupert (1995). **Prejudice: The Target's Perspective**. San Diego: Academic Press.
- Cothorn, Julie A. (2010). Prejudice and Racism, in: <http://clearinghouse.missouriwestern.edu/manuscripts/479.php>.
- Dovidio, John F. (2001). "On the Nature of Contemporary Prejudice: The Third wave", **Journal of Social Issues**, 57 (4) 629-645
- Duckitt, J. (2001). A dual process cognitive-motivational theory of ideology prejudices. In M.P. Zanna (Ed), **Advances in experimental Social psychology San Diego**, C.A: Academic Press, 33, 41-113.
- Eckhardt, W. (1991). "Authoritarianism", **Political Psychology**, 12, 97-124.
- Hamilton David L. et al. (2009). The Role of Ethnicity in Stereotyping Processes and Parameters. In **Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination**, Edited by Todd Nelson. New York: Psychology Press.
- Jahoda (2001). Beyond Stereotypes. **Culture & Psychology**, 7, 181-197.
- Jussim, Lee, et al. (2009). The Unbearable Accuracy of Stereotypes. In **Handbook**

- of Prejudice, Stereotyping and Discrimination**, Edited by Todd Nelson. New York: Psychology press.
- Levy, Sheri R. & Julie Milligan Hughes (2009). Development of Racial and Ethnic Prejudice among Children, in Todd. D Nelson (Ed), **Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination**, New York: Psychology Press and Taylor & Francis Group.
- Miller, A.G. (1982). Historical and Contemporary Perspective on Stereotyping. In: Miller, A.G. (Ed) in **The Eye of Beholder: Contemporary Issues in Stereotyping**, New York, Random House.
- Pratto, Felicia (2004). **Authoritarian Personality Encyclopedia of Group Processes & Intergroup Relations**. London: Sage Publication.
- Schneider, David J. (2004). **The Psychology of Stereotyping**, New York: The Guilford Press.
- Stephan, Walter G. (1985). "Intergroup Relations", In G. Lindzey & E. Aronson (Eds). **Handbook of Social Psychology**. New York: Random House. .

Archive of SID